

«پوشش سنتی برای فعالیت‌های اجتماعی زنان مایهٔ زحمت است. زنان زیادی با کنار گذاشتن این پوشش توانستند به دنیای جدیدی قدم بگذارند، بی‌آنکه کسی متعرضشان شود. اصلاً لازم نیست نیمه برهنه باشید. رنگ و نمای لباس‌تان ساده و عادی باشد یا با مُد جدید، مهم نیست. تناسب لباس‌ها هم اهمیتی ندارد. مهم این است که شما متین و با شهامت دوشادوش مردها در تمام عرصه‌ها حضور پیدا کنید و مطمئن باشید که خطری شما را تهدید نمی‌کند.»*

این همان شعار دل‌فریبی بود که دامن‌های پف‌دار و یقه‌های ایستاده و کلاه‌های پردار را از زنان غربی گرفت و آن‌ها را تبدیل به موجودات نیمه‌عریانی کرد که کارگری در کارخانه را به ریاست در خانه ترجیح دادند و ابزار تبلیغ کمپانی‌های بزرگ غرب شدند.

در کشورهای اسلامی، کار با طرح چنین شعارهایی پیش نمی‌رفت. در این ملت‌ها که چادر منزلت و سابقه‌ای دیرینه داشت باید از راه دیگری وارد شد. هجوم کالاهای غربی با رنگ‌ها و طرح‌های متنوع همان انقلاب مخملی‌ای بود که آرام و بی‌صدا، اعتقادات زنان مسلمان را دگرگون کرد. تنوع رنگ‌ها و طرح‌ها پوششی را می‌طلبید که با چادر منافات داشت. آرام‌آرام زمزمهٔ کنار گذاشتن چادر در میان صاحب‌نظران طنین‌انداز شد: «مهم پوشیدگی اندام است؛ چادر باشد یا چیز دیگر...»

از همین جا بود که زنان مسلمان دو دسته شدند: چادری‌ها و مانتویی‌ها. اما ماجرا به همین جا ختم نشد. این جاده، پر پیچ و خم و بی‌سرانجام بود. پیچیده‌ترین مشکلی که زنان، با روی آوردن به لباس‌های تازه با آن روبه‌رو شدند پدیدهٔ «مد» بود.

زمانی که چادر به عنوان پوشش رویین تمام بدن را فرا می‌گرفت دیگر مهم نبود که لباس زیر چادر، زشت باشد یا زیبا، خوش دوخت باشد یا چروکیده؛ چادر تمام این مشکلات را حل می‌کرد، اما از زمانی که این پوشش مفید کنار گذاشته شد بی‌تناسبی رنگ‌ها و طرح‌های لباس‌ها همه زنان را کلافه کرد. دوخت، شکل و رنگ لباس و تناسب این‌ها با هم، خیلی‌ها را معتاد کرد.

اعتیادی که هر روز دامنه‌اش گسترش می‌یافت. اعتیاد مهلکی به نام مدگرایی که عقده و کینه و حسادت می‌پروراند و به مشاجرات خانوداگی دامن می‌زد و مردان زحمتکش را که نمی‌توانستند خواسته‌های خانواده‌هایشان را برآورده کنند محکوم به بی‌کفایتی می‌کرد. به جز فرار از گرداب مدگرایی، چادری‌ها یک نعمت بزرگ دیگر هم دارند. معمولاً با چادر کسی از موقعیت اقتصادی زن با اطلاع نمی‌شود. اما امروز حتی اگر بنیه اقتصادی خوبی هم نداشته باشی مجبوری برای ورود به اجتماع طوری لباس بپوشی که محکوم به املی و بی‌کلاس نشوی!

با پوششی مثل چادر تنها گذر زمان لباس را فرسوده می‌کند ولی ویروس مد خیلی زود لباس‌ها را کهنه می‌کند و زنان را به خریدن لباس‌های تازه ناگزیر. شاید دیده باشید خانواده‌هایی را که از نظر تغذیه محروم و نیازمندند ولی شیک‌ترین لباس‌ها را می‌پوشند.

امروز خیلی‌ها برای عقب نیفتادن از قافله تمدن هر روز چشم به راه طرح‌های تازه‌ای هستند تا با پوشیدن آن با دیروزشان فرق کنند. چادری که در کار نیست! مانتو و روسری هم باید امروزی باشد چون به خیال خودشان مانتوی دیروز به همان اندازه آن‌ها را غیر اجتماعی و نامتمدن نشان می‌دهد که چادر نشان می‌داد!

به کجا چنین شتابان؟!

«فرانتس قانون» در کتاب انقلاب الجزایر می‌نویسد: هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که بر روی استعمارگران بسته بود، در برابر او می‌گشاید... و پس از دیدن هر چهره زن بی‌حجاب، امیدهای حمله‌ور شدن اشغالگر ده برابر می‌شود.

چرا قانون؟!

مولایمان حسین بن علی^{علیه السلام} می‌فرمایند: «کسی که برای خشنودی مردم، رضای پروردگار را ترک کند، افزون بر آن که غضب خدای را برمی‌انگیزاند، خشنودی مردم را هم از دست خواهد داد. روز به روز از هدف خود دورتر خواهد شد و به آنچه بیش‌تر از آن بیم‌ناک بوده است، زودتر گرفتار گردد».

● راز یک فریب

دختران

چادری‌ها و مانتویی‌ها

زهرا حاجی‌پور

